



Investigation and analysis of lexical diversity and its effect on the style and atmosphere of poetry in the works of "Nima Yoshij" and "Badr Shaker Al-Siyab" based on Johnson's theory.

Fereshteh Mahjoub^{1*}, Tahereh Sayedrezaei²

^{1*} Assistant Professor of Persian Language and Literature, Payam Noor University, Tehran, Iran.

² Assistant Professor of Persian Language and Literature, Payam Noor University, Tehran, Iran.

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Received:
21/02/2022

Accepted:
18/07/2023

"Nima Yoshij" (in Iran) and "Badr Shaker Al-Siyab" (in Iraq) are among the first pioneers of liberating poetry from classical constraints and guiding it in the direction of modernity. Although they have been far from each other in terms of time and place, they have commonalities in many aspects such as poetic language, living and education environment, political thoughts and social concerns. Johnson's Linguistic Theory of Vocabulary Variation is one of the most significant tools for studying texts, which is effective in fields such as literary criticism, comparative studies, and stylistics, and using statistical methods and with an interdisciplinary approach, the degree of innovation it measures poets and writers in terms of vocabulary and analyzes their stylistic components. The present research, in a descriptive-analytical way and using statistical methods, first compares the variety of vocabulary of two poets based on the theoretical foundations of "Johnson" in the linguistic foundation of three thousand words, then examines them from the point of view of convergence and divergence of themes and how to create different spaces. The result of the present research is that the variety of words in the poem "Badr Shaker Al-Siyab" is 230 words more than "Nima Yoshij" and this trend decreases with a smaller slope in the poem "Badr Shaker Al-Siyab". This means that "Badr Shaker al-Siyab" has a wider range of words than "Nima Yoshij" and was more proficient in the language. Despite the presence of each poet's independent voice, the same mental concerns have created meaning circles around common cores such as death thoughts, nature, love, hometown and social categories. These components have been objectified in the mentioned common words with the help of spatialization, which shows the difference in style, point of view, and life conditions of the two poets.

Keywords: lexical diversity, Johnson's theory, Nima Yoshij, Badr Shaker al-Siyab, stylistics, spatialization.

Cite this article: Mahjoub Fereshteh, Sayedrezaei Tahereh., (2022), Investigation and analysis of lexical diversity and its effect on the style and atmosphere of poetry in the works of "Nima Yoshij" and "Badr Shaker Al-Siyab" based on Johnson's theory., Vol. 1, New Series, No.2, Autumn and Winter2022: pages:65-94.

DOI: 10.30479/irpli.2022.16944.1048

© The Author(s).

Publisher: Imam Khomeini International University



* **Corresponding Author:** Fereshteh Mahjoub

Address: Assistant Professor of Persian Language and Literature,
Payam Noor University, Tehran, Iran.

E-mail: F.Mahjoub2022@pnu.ac.ir

بررسی و تحلیل تنوع واژگانی و تأثیر آن بر سبک و فضای شعر در سروده‌های «نیما

یوشیج» و «بدر شاکر السیاب» بر پایه نظریه «جانسون»

فرشته محبوب^{۱*}، طاهره سیدرضایی^۲

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۱/۱۲/۰۲

پذیرش:

۱۴۰۲/۰۴/۲۷

نیما یوشیج (در ایران) و «بدر شاکر السیاب» (در عراق) از نخستین پیشروان رهایی شعر از قیود کلاسیک و هدایت آن در مسیر نوگرایی هستند. اگرچه به‌لحاظ زمانی و مکانی از یکدیگر دور بوده‌اند، در بسیاری وجوه همچون زبان شعری، محیط زندگی و آموزش، تفکرات سیاسی و دغدغه‌های اجتماعی اشتراکاتی دارند. نظریه زبان‌شناختی تنوع واژگان جانسون یکی از ابزارهای مطالعه متون است که در شاخه‌هایی همچون نقد ادبی، مطالعات تطبیقی و سبک‌شناسی کارآمد است و با استفاده از شیوه‌های آماری و با رویکردی میان‌رشته‌ای میزان نوآوری شاعران و نویسندگان را در دایره لغات می‌سنجد و مؤلفه‌های سبکی آن‌ها را تحلیل می‌کند. پژوهش حاضر به‌شیوه توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از روش‌های آماری، نخست بر اساس مبانی نظری جانسون تنوع واژگان دو شاعر را در شالوده زبانی سه‌هزارکلمه‌ای مقایسه می‌کند، سپس به بررسی آن‌ها از منظر هم‌گرایی و اگرایی مضامین و چگونگی خلق فضاهای گوناگون می‌پردازد. حاصل پژوهش حاضر این است که واژگان متنوع در شعر بدر شاکر السیاب ۲۳۰ کلمه بیشتر از نیما یوشیج است که این روند با شیب کمتری در شعر بدر شاکر السیاب کاهش می‌یابد. این به آن معنا است که بدر شاکر السیاب دایره لغات وسیع‌تری نسبت به نیما یوشیج دارد و بر زبان چیره‌تر بوده است. علی‌رغم حضور صدای مستقل هر شاعر، دغدغه‌های ذهنی یکسان باعث خلق دایره‌های معنایی بر گرد هسته‌هایی مشترک همانند مرگ‌اندیشی، طبیعت، عشق، زادگاه و مقوله‌های اجتماعی شده است. این مؤلفه‌ها در واژگان مشترک مذکور به‌کمک فضاسازی عینیت یافته است که نشانگر تفاوت سبک، دیدگاه و شرایط زندگی دو شاعر است.

کلمات کلیدی: تنوع واژگانی، نظریه جانسون، نیما یوشیج، بدر شاکر السیاب، سبک‌شناسی، فضاسازی.

استاد: محبوب، فرشته؛ سیدرضایی طاهره (۱۴۰۱). بررسی و تحلیل تنوع واژگانی و تأثیر آن بر سبک و فضای شعر در سروده‌های «نیما یوشیج» و «بدر شاکر السیاب» بر پایه نظریه «جانسون»، دوفصلنامه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای زبان و ادبیات فارسی، سال اول، دوره جدید، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱: ۶۵-۹۴.

DOI: 10.30479/irpli.2022.16944.1048



حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

مقدمه

نیما یوشیج و بدر شاکر السیاب از پیشگامان دگرگونی شعر در ایران و عراق و صاحب جایگاهی ویژه و ممتاز در میان شاعران معاصرند. در سروده‌های آن دو در بسیاری ابعاد، از جمله زبان، مشابهت‌های فراوانی مشاهده می‌شود. به‌طور نمونه نیما یوشیج با ابتکار و گزینشی که در واژه‌هایی نو همانند «آیش»، «لم»، «کک‌کی» و «نوغانخانه» انجام داده است و بدر شاکر السیاب به‌ویژه در *انشوده المطر* با استفاده از واژه‌هایی همانند «جیکور» و «بویب» به دنبال ایجاد تحول است (محمدرضایی و آرمت، ۱۳۸۷: ۱۶۶). «دگرگون کردن خانواده کلمات کار آسانی نیست؛ بسیاری از جوانان در ایران و کشورهای عربی کلمات متنوع و عجیبی را به‌زور داخل شعر می‌کنند؛ ولی این کلمات به‌هیچ‌وجه در نظام شعر قرار نمی‌گیرد. کاربرد شعری کلمات متنوع هم هست و نه صرف کاربرد آن‌ها در قالبی منظوم به نظم آزاد» (شفیعی کدکنی، به نقل از همان). انواع آرایه تکرار در شعر ناقوس «اصوات» و «حروف» است؛ اما در اشعار *انشوده المطر* «لفظ»، در *شنائیل ابنه الجبلی* «صوت» و در مرثیه الاله «حروف» است که باعث شکل‌گیری مفاهیمی خاص شده است. از میان صور خیال در شعر این دو شاعر «تشخیص» و «پارادوکس» بیش از همه به‌کار رفته است. پیوند عمیق دو شاعر با طبیعت و ارتباط با اشیا به‌ویژه در اشعار *مرغ غم*، *اندوهناک شب*، *دل فولادم* و *ناقوس نیما یوشیج* و در گرایش‌های شهری-روستایی بدر شاکر السیاب همانند *عوده لجیکور*، *مدینه جیکور* و *انشوده المطر* مایه پیوند امور متضاد با یکدیگر و آفرینش تصاویر نو و امروزی شده است (محمدرضایی و آرمت، ۱۳۸۷: ۱۶۷).

شیوه‌های آماری از روش‌های علمی و قابل‌استنادی است که پژوهشگران اغلب برای بالابردن دقت و کیفیت یافته‌های خود در رشته‌های مختلف و از جمله علوم انسانی از آن استفاده می‌کنند. باوجود آنکه کاربرد علم آمار در رشته‌های علوم تربیتی و اجتماعی نسبت به ادبیات متداول‌تر است؛ استفاده از آن در شاخه‌های مطالعات ادبی همچون سبک‌شناسی، نقد ادبی و ادبیات تطبیقی می‌تواند به دقت پژوهش بیفزاید: «اگر پرسیده شود که آیا مطالعات آماری با مطالعات سبک‌شناسی مرتبط است؟ پاسخ کاملاً مشخص است: آری! تقریباً تمامی نقدها حتی ابتدایی‌ترین آن یعنی نقد تأثرگرا روش آماری را ولو به‌شکل غیررسمی و ناقص به‌کار می‌گیرند» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۱۶۷). شیوه‌های آماری با توصیف دقیق متن و تبدیل عناصر کیفی به کمیتهای ملموس، توجه مخاطب را به لایه‌ها

و زوایای پنهان متن جلب می‌کند و قضاوت‌های ذوقی و عاطفی مبتنی بر سلیقه‌های شخصی را مبدل به داوری‌های علمی و مستند و واقعی می‌کند.

وندل جانسون (Wendell Johnson) روان‌شناس دانشگاه آیوا که دربارهٔ لکنت زبان کودکان مطالعه می‌کرد، روشی به نام «نظریهٔ تنوع واژگان» دارد که از آمار برای سبک‌شناسی کمک می‌گیرد. «از آثار او دو کتاب زبان و عادات صحیح کلام (language and speech Hygiene) و مردم در تنگنا (people in Quandaries) را می‌توان نام برد» (اناری بزچلوبی و امیدوار، ۱۳۹۱: ۳۸)

پژوهش حاضر به دنبال آن است که پس از گزینش کلمات و تشکیل جامعه آماری با کمیته یکسان (سه‌هزار واژه) از اشعار نیما یوشیج و بدر شاکر السیاب به بررسی سبک شعری آن دو برپایه نظریهٔ جانسون پردازد و میزان تنوع واژگانی آن‌ها را بررسی کند؛ سپس برای تکمیل بحث به استخراج مضامین مشترک در این واژگان پردازد و تأثیر هریک را در ایجاد سبک و فضای شعری بررسی کند. اشعار نیما یوشیج از کتاب *مجموعهٔ کامل اشعار او* و اشعار بدر شاکر السیاب از کتاب *از سرود باران تا مزامیر گل سرخ* انتخاب شده است.

۱. پیشینه پژوهش

بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته با نظریهٔ تنوع واژگان، به زبان عربی است. سعد مصلوح، منتقد و استاد ادبیات عرب دانشگاه کویت، این شیوه را به صورت گسترده به کار گرفته است و آن را بومی‌سازی کرده است. صدقی و کاظمی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای عربی با عنوان «مقایسهٔ تنوع واژگان در سبک شعر اشعار دعبل خزاعی، شریف رضی و مهیار دیلمی» به تحلیل سبکی اشعار این سه شاعر پرداخته‌اند و اثبات کرده‌اند کدام‌یک در این حوزه بیشتر صاحب نوآوری است. حاجی قاسمی و کاظمی (۱۳۹۷) در مقاله «تأثیر مصادر عربی بر ساخت واژگان فارسی معاصر برپایهٔ نظریهٔ تنوع واژگان جانسون (بررسی موردی داستان دارالمجانین، ملکوت و گیله مرد)» کوشیده‌اند اثبات کنند در چهل سال گذشته مصادر ثلاثی مجرد بیش از سایر مصادر در ساختار واژگان فارسی کارآمد بوده است. بوند شهریاری و سیدرضایی (۱۳۹۳) در مقاله «مقایسهٔ شعر فروغ فرخزاد، فرزانه خجندی و خالده فروغ از منظر نظریهٔ جانسون» با انتخاب سه شاعر زن از سه کشور، بر اساس نظریهٔ مذکور، دامنهٔ واژگانی اشعار آن‌ها را مقایسه و تحلیل کرده‌اند. محمدرضایی و آرمان (۱۳۸۷) در «بررسی تطبیقی اشعار بدر شاکر و نیما یوشیج» با شیوه‌ای توصیفی به استخراج و توضیح مبانی مشترک فکری و زبانی این دو شاعر پیشرو پرداخته‌اند. علاوه بر مقالات فوق، شیرین سالم (۱۳۹۳) در رسالهٔ

دکتری خود در دانشگاه فردوسی با عنوان «بررسی تطبیقی اشعار و اندیشه‌های نیما یوشیج و بدر شاکر السیاب» به بررسی تطبیقی مضامین مشترک در دو شاخه فردی و اجتماعی پرداخته است و مؤلفه‌هایی همانند عشق، همسر، روستا و در بعدی کلی‌تر وطن، ملت، عرب، انسان را از اشعار این دو شاعر استخراج و تحلیل کرده است.

۲. شیوه پژوهش

پژوهش حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی نخست به تشریح مبانی نظری تئوری «جانسون» می‌پردازد و پس از اشاره به جایگاه «بدر شاکر السیاب» و «نیما یوشیج» - که پرچمداران شعر نو هستند - برشی سه‌هزار کلمه‌ای و تصادفی از اشعار انتخاب شده بر اساس نظریه مورد بحث انجام خواهد شد. در گام بعدی واژگان مشترک دو شاعر بررسی می‌شود و مضامین و دسته‌بندی‌های مشترک یافت شده آن‌ها ملاحظه می‌گردد؛ سپس از منظر تأثیری که در خلق فضای شعر داشته‌اند و تفاوت استفاده هر شاعر از واژگان تحلیل می‌شود.

۳. بدر شاکر السیاب و نیما یوشیج

بدر شاکر السیاب (۱۹۲۶-۱۹۶۴) در روستای کوچک «جیکور» واقع در نخلستان‌های بصره عراق متولد شد. دوران ابتدایی را در بصره گذراند سپس برای ادامه تحصیل به دانش‌سرای عالی بغداد رفت و در آنجا ادبیات عربی و انگلیسی را فراگرفت. بدر شاکر السیاب مدتی کوتاه به تدریس پرداخت؛ اما به دلیل گرایش‌های سیاسی او را از این شغل برکنار کردند. شعر بدر شاکر السیاب نمودار پیشرفت و درعین حال دگرگونی‌های فکری او است. او در ابتدا به مکتب رمانتیسیم و به‌ویژه اشعار الیوت (Elliott) و بودلر (Baudelaire) متمایل شد؛ سپس به عقاید کمونیستی گرایش پیدا کرد؛ اما در پایان عمر از آن روی‌گردان شد. در پرچمداری شعر نوی عربی همواره میان بدر شاکر السیاب و نازک الملائکه ستیز بوده است. هر دو از نخستین پیشروان رهایی شعر عربی از قالب اوزان کلاسیک‌اند. برخی بدر شاکر السیاب را دارای حق تقدم و بزرگ‌ترین شاعر نسل خود می‌دانند. سلیمی خضراء الجیوسی صراحتاً گفته است: «من آخرین کسی هستم که مایل است نقش نازک الملائکه را در این دگرگونی اجتماعی انکار کند؛ زیرا تلاش‌های نازک الملائکه برای نوگرایی مبدل به الگویی برای هم‌عصرانش نشد؛ حال آنکه سیاب دیگران را به اسلوبی نو فراخواند و تحولی نو

پدید آورد» (الخیر، ۲۰۰۶: ۵۳). مجموعه اشعار *ازهار و ازبله* (۱۹۴۷)، *اساطیر* (۱۹۵۰)، *انشوده المطر* (۱۹۶۰) از سروده‌های او است که همه پس از وفاتش در بیروت انتشار یافت.

زندگی نیما یوشیج (۱۲۷۴-۱۳۳۸) در بسیاری ابعاد به بدر شاکر السیاب همانند است. نیما در روستای «یوش» از توابع مازندران به دنیا آمد و تا نوجوانی با طبیعت و زندگی روستایی دمنخور بود. سپس همچون بدر شاکر السیاب زادگاه خود را برای ادامه تحصیل رها کرد؛ به تهران آمد و زبان فرانسه و نقاشی آموخت و به این ترتیب با چشم‌اندازهای جدید شعر آشنا شد. او با سرودن شعر *قنوس، افسانه، خانواده یک سرباز* و قطعاتی دیگر در قالب شعر نو گام گذاشت. در شعر او واژه‌ها بدون محدودیتی - که در شعر کهن وجود داشت - در کنار دیگر کلمات حضور می‌یابند. او می‌خواست سراینده شعری از احساسات انسان معاصر باشد که با تصویری شاعرانه بیان شود. از آنجاکه او «فرزند عصر و محیط خویش» (حمیدیان، ۱۳۸۳: ۲۳) بود؛ معیارها و قالب‌های سنتی شعر کهن را برای هدف خویش مناسب نیافت. آشنایی با زبان بیگانه مایه آن شد تا با وجودی که هر دو شاعر به ادبیات کهن علاقمند بودند و به همان سبک نیز شعر می‌سرودند به شعر نو تمایل شوند و نخستین نشانه‌های نوگرایی در سال ۱۹۴۶م در شعر *هل کان حباً* بدر شاکر السیاب و در شعر *قنوس* نیما یوشیج در سال ۱۳۱۶ مشاهده گردید (زرین‌کوب، ۱۳۵۸: ۶۴).

نیما یوشیج در دوران استبداد رضاشاه و بدر شاکر السیاب در دوران نوری سعید می‌زیستند؛ بنابراین با معضلات سیاسی و دردهای مردم آشنا بودند و همچون روشن‌فکران هم‌عصر خود به حزب توده تمایل شدند. بدر شاکر السیاب در ۱۹۴۵م مستقیماً به این حزب و مبارزات آن‌ها پیوست؛ اما نیما یوشیج نه رسماً، بلکه به دلیل تفکرات و سخنان همسو با این حزب به عنوان شاعری چپ‌گرا معرفی شد. به دلیل همین تمایلات، هر دو شاعر پیوسته از حرفه‌ای به حرفه دیگر و از شهری به شهر دیگر می‌رفتند. بدر شاکر السیاب در سال ۱۹۴۶م در اوج بیماری درگذشت و نیما یوشیج در سال ۱۳۳۸هـ پس از دوره‌ای کسالت از دنیا رفت.

۴. نظریه جانسون و تنوع واژگان در سروده‌های نیما یوشیج و بدر شاکر السیاب

فرایند تطبیق و تحلیل سروده‌های نیما یوشیج با بدر شاکر السیاب بر اساس نظریه جانسون به شیوه زیر است:

۱-۴. گزینش جامعه آماری

روش جانسون می‌بایست به صورت تطبیقی و مقایسه‌ای میان دو یا سه شاعر انجام شود؛

بنابراین دیدگاه، جامعه آماری منتخب باید برشی ۳۰۰۰ کلمه‌ای از شاعران مورد نظر باشد. انتخاب کلمه‌ها تصادفی است و گزینش شاعرانی که فضای کلی آثارشان مشابه است و نقاط اشتراکی دارند به دقیق‌تر شدن تحلیل‌های پژوهش کمک خواهد کرد.

۲-۴. انتخاب واژگان متنوع

برای تعیین تنوع واژگان سروده‌های یک شاعر می‌بایست ۳۰۰۰ کلمه انتخاب‌شده را درون جدول قرار داد. جدول‌هایی که برای این منظور طراحی می‌شود، باید ده خانه عمودی و ده خانه افقی داشته باشد؛ یعنی برای هر صد واژه، یک جدول نیاز است. به این ترتیب برای سه‌هزار واژه هر شاعر، داشتن ۳۰ جدول مانند جدول زیر ضروری است:

جدول شماره ۱: گزینش واژگان متنوع

قهوه‌خانه	دور	پر	ازدحام	یک	شب	چشم‌ها	خسته	نظر می‌کردم	چهره‌ها
آتش	پاها	دست‌ها	ساعتی	مسخره می‌کرد	انبوه	مردمان	مسحور شدم	طنین	صدایی
پرهیت	یک	صدا	بود	سایه‌ای	آن	صفحه	قدیم	گرامافون	گردشی
گونه	طوفان	گویی	صدا	صدای	قرون	بود	ظلمت	دهانه	غاری
آری	صدای	عشق	دور	محو می‌شد	چون	نقش	بادبانی	آب‌های	دریا
نیمه‌های	یک	شب	ساحل	جزیره	دوری	گوش	من	طنین	غربیی
دارد	قلبم	اندوه	می‌فشارد	می‌گویم	این	دست	سرنوشت	میان	دو
دل	چرا	حایل	شده است	فاصله	افکنده است	دست	تو	برای	چه
غارت	ده است	بین	دست‌ها	نفس‌های	من	چون	شد	دور	گشتی
من	مثل	صدای	محو	دوردست‌ها	آه	این	صدا	صدای	گرامافون

نکته شایان اهمیت توجه به تعریف واژه و محدوده آن است. در پژوهش مذکور:

۱. فعل‌های مرکب و پیشوندی یک کلمه محسوب شده‌اند.
۲. حروف ربط و عطف و اضافه و «را»ی نشانه مفعول در شمارش واژگان به حساب نیامده‌اند.
۳. جمع و مفرد بودن اسم‌ها، تکرار تلقی شده است؛ اگر اسمی مفرد به کار برود و سپس جمع آن نیز آمده باشد، واژه جمع شمارش نخواهد شد و برعکس.
۴. کلمات مخفف نسبت به اصل آن تکرار شناخته شده است.

۵. ضمیرهای پیوسته و شناسه‌ها جزئی از کلمه است و واژه مستقلی نیست. ضمیرهای اشاره،

جمع و مفرد نیز نسبت به یکدیگر تکراری تلقی شده‌اند.

۶. کلمات مرکب، یک واژه محسوب شده‌اند.

پس از تعیین محدوده واژه‌ها و قراردادن آن‌ها در جدول، کلمات تکراری خط خواهد خورد؛

به گونه‌ای که هیچ واژه تکراری باقی نماند:

جدول شماره ۲: حذف واژگان تکراری

قهوه‌خانه	دور	پر	ازدحام	یک	شب	چشم‌ها	خسته	نظر می‌کردم	چهره‌ها
آتش	پاها	دست‌ها	ساعتی	مسخره می‌کرد	انبوه	مردمان	مسحور شدم	طنین	صدایی
پرهیب	یک	صدرا	بود	سایه‌ای	آن	صفحه	قدیم	گرامافون	گردشی
گونه	طوفان	گویی	صدرا	صدای	قرون	بون	ظلمت	دهانه	غاری
آری	صدای	عشق	دور	محو می‌شد	چون	نقش	بادبانی	آب‌های	دریا
نیمه‌های	یک	شب	ساحل	جزیره	دوری	گوش	من	طنین	غریبی
دارد	قلبم	اندوه	می- فشارد	می‌گویم	این	دست	سرنوشت	میان	دو
دل	چرا	حایل	شده است	فاصله	افکنده است	دست	تو	برای	چه
غارت	کرده است	بین	دست‌ها	نفس‌های	من	چون	شد	دور	گشتی
من	مثل	صدای	محو	دور دست‌ها	آه	این	صدرا	صدای	گرامافون

پس از خط‌زدن واژه‌های تکراری، کلمات باقی‌مانده شمرده خواهد شد. این کلمات باقی‌مانده «واژگان متنوع» هر شاعر است. این عمل درباره سه‌هزار واژه، هم از اشعار نیما یوشیج و هم از اشعار بدر شاکر السیاب انجام شده است. در ۳۰۰۰ واژه نیما یوشیج ۹۵۰ واژه غیرتکراری و در ۳۰۰۰ واژه بدر شاکر السیاب ۱۱۸۰ واژه متنوع دیده می‌شود. بدر شاکر السیاب ۲۳۰ واژه متنوع بیش از نیما یوشیج دارد که تفاوت قابل توجهی است.

۳-۴. انجام محاسبات: در این مرحله لازم است محاسباتی انجام شود تا دقیق‌تر بتوان درباب گنجینه لغات شاعران منتخب قضاوت کرد. این محاسبات به شرح زیر است:
الف. نسبت کلی تنوع: در این مرحله نسبت واژگان متنوع به کل متن سنجیده می‌شود. بدین ترتیب که واژگان متنوع هر شاعر تقسیم بر کل واژگان می‌گردد. از این عملیات ریاضی، نتایج زیر حاصل شده است:

$$\frac{950}{3000} = .32$$

$$\frac{1180}{3000} = .40$$

جدول شماره ۳: نسبت کلی تنوع

شاعر	تعداد واژگان متنوع	نسبت کلی تنوع
نیما یوشیج	۹۵۰	.۳۲
بدر شاکر السیاب	۱۱۸۰	.۴۰

ب. مقدار میانگین نسبت تنوع واژگان: در این مرحله ۳۰۰۰ واژه انتخاب شده که به ۶ قسمت مساوی تقسیم می‌شود و هر بخش شامل ۵۰۰ واژه است. تعداد واژگان متنوع موجود در هر یک از برش‌های ۵۰۰ کلمه‌ای در جدول قرار می‌گیرد؛ سپس مجموع واژگان متنوع بر عدد ۶ تقسیم می‌شود. به این ترتیب میانگین نسبت کلی تنوع مشخص می‌گردد. آن‌چنان‌که جدول نشان می‌دهد به‌طورمتوسط در هر ۵۰۰ واژه از شعر نیما یوشیج ۱۵۸/۳ واژه غیر تکراری و در هر ۵۰۰ واژه از شعر بدر شاکر السیاب به‌طورمتوسط ۱۹۷/۵ واژه غیر تکراری وجود دارد.

جدول شماره ۴: میانگین نسبت تنوع واژگان

شاعر	واژگان متنوع بخش اول	واژگان متنوع بخش دوم	واژگان متنوع بخش سوم	واژگان متنوع بخش چهارم	واژگان متنوع بخش پنجم	واژگان متنوع بخش ششم	میانگین واژگان متنوع
نیما یوشیج	۲۶۵	۱۶۴	۱۶۳	۱۲۸	۱۱۶	۱۱۵	۱۵۸/۳
شاکر السیاب	۲۶۹	۱۸۹	۲۲۷	۱۷۵	۱۸۳	۱۴۲	۱۹۷/۵

برای ترسیم نتایج فوق به درصد، حاصل به‌صورت جدول زیر خواهد بود:

جدول شماره ۵: درصد میانگین نسبت تنوع واژگان

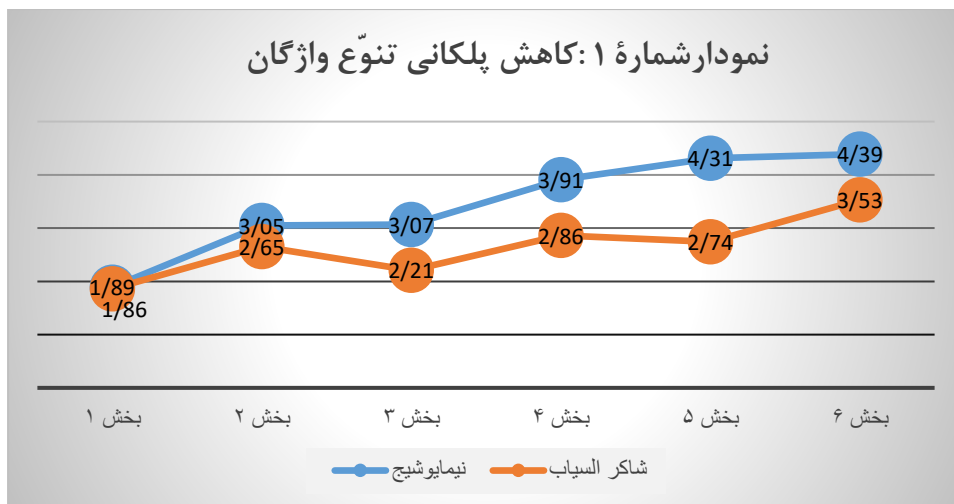
شاعر	درصد واژگان متنوع بخش اول	درصد واژگان متنوع بخش دوم	درصد واژگان متنوع بخش سوم	درصد واژگان متنوع بخش چهارم	درصد واژگان متنوع بخش پنجم	درصد واژگان متنوع بخش ششم	درصد میانگین واژگان متنوع
نیما یوشیج	٪ ۵۳	٪ ۳۲/۸	٪ ۳۲/۶	٪ ۳۵/۶	٪ ۲۳/۲	٪ ۲۲/۸	٪ ۳۱/۶
شاکر السیاب	٪ ۵۳/۸	٪ ۳۷/۸	٪ ۴۵/۴	٪ ۳۵	٪ ۳۶/۶	٪ ۲۸/۴	٪ ۳۹/۵

ج. منحنی کاهش پلکانی تنوع واژگان: در هر متنی به تناسب موضوع آن تعدادی کلمات کلیدی و تکرارشونده وجود دارد. علاوه بر آن تعدادی حروف و افعال پرکاربرد نیز هست که در تمام متون استفاده شده است؛ بنابراین طبیعی است که در ابتدای نمونه‌ها، تعداد واژگان متنوع بیشتر باشد و هرچه مبحث بیشتر می‌رود، تعداد واژگان متنوع کاهش یابد. در این مرحله شیب این کاهش تنوع ارزیابی می‌گردد. در اینجا نیز مانند مرحله قبل ابتدا ۳۰۰۰ واژه به ۶ قسمت ۵۰۰ کلمه‌ای تقسیم و سپس تعداد واژگان متنوع هر بخش تقسیم بر پانصد می‌شود:

جدول شماره ۶: کاهش پلکانی تنوع واژگان

نام شاعر	قسمت ۱	قسمت ۲	قسمت ۳	قسمت ۴	قسمت ۵	قسمت ۶
نیما یوشیج	۱/۸۹	۳/۰۵	۳/۰۷	۳/۹۱	۴/۳۱	۴/۳۹
شاکر السیاب	۱/۸۶	۲/۶۵	۲/۲۱	۲/۸۶	۲/۷۴	۳/۵۳

برای تکمیل فرایند مقایسه این کاهش، نمودار زیر تأمل برانگیز است:



د. منحنی تراکم نسبت تنوع واژگان: در این مرحله، متن به شش بخش ۵۰۰ واژه‌ای تقسیم می‌شود؛ سپس میان واژگان متنوع و مجموع کل واژگان جزء اول، نسبت ایجاد می‌شود. در جزء دوم با ایجاد نسبت بین واژگان متنوع و مجموع کل واژگان، این جزء به دست می‌آید. عدد واژگان متنوع جزء اول با عدد واژگان متنوع جزء دوم جمع می‌شود (اناری و امیدوار، ۱۳۹۰: ۳۹۷). این روش تا پایان بخش ششم ادامه می‌یابد.

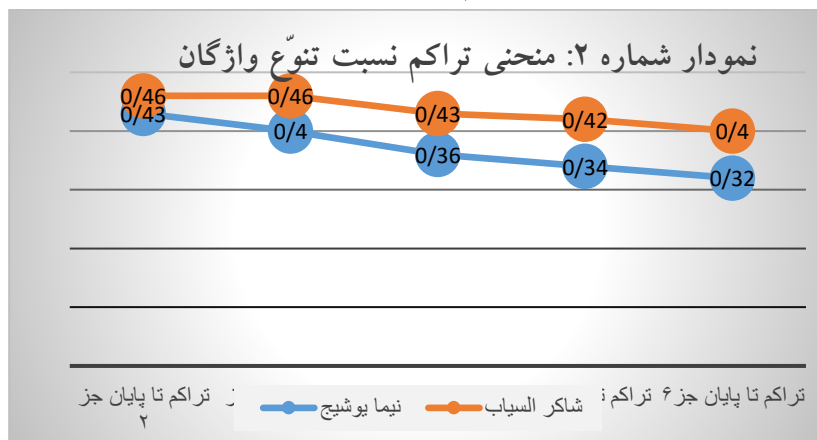
جدول شماره ۷: نسبت تراکم تنوع واژگان نیما یوشیج

$\frac{265 + 164}{1000} = .43$	نسبت تراکم تا پایان جزء دوم
$\frac{265 + 164 + 163}{1500} = .40$	نسبت تراکم تا پایان جزء سوم
$\frac{265 + 164 + 163 + 128}{2000} = .36$	نسبت تراکم تا پایان جزء چهارم
$\frac{265 + 164 + 163 + 128 + 116}{2500} = .34$	نسبت تراکم تا پایان جزء پنجم
$\frac{265 + 164 + 163 + 128 + 116 + 114}{3000} = .32$	نسبت تراکم تا پایان جزء ششم

جدول شماره ۸: نسبت تراکم تنوع واژگان بدر شاکر السیاب

$\frac{269 + 189}{1000} = .46$	نسبت تراکم تا پایان جزء دوم
$\frac{269 + 189 + 227}{1500} = .46$	نسبت تراکم تا پایان جزء سوم
$\frac{269 + 189 + 227 + 175}{2000} = .43$	نسبت تراکم تا پایان جزء چهارم
$\frac{269 + 189 + 227 + 175 + 183}{2500} = .42$	نسبت تراکم تا پایان جزء پنجم
$\frac{269 + 189 + 227 + 175 + 183 + 142}{3000} = .40$	نسبت تراکم تا پایان جزء ششم

قیاس این تراکم در نمودار زیر بررسی شده است:



۵. هم‌گرایی و واگرایی واژگان در شعر بدر شاکر السیاب و نیما یوشیج

با وجود آنکه تحلیل کارکرد این واژگان متنوع در زمره مبانی نظری روش جانسون نیست، واکاوی و سپس مقایسه کلمات همانند، کمک خواهد کرد تا ضمن استخراج دایره‌های معنایی مشترک، نقش واژگان در ایجاد رنگ و فضای حاکم بر یک شعر تبیین گردد.

پس از بررسی اشعار منتخب از نیما یوشیج و بدر شاکر السیاب می‌توان دریافت در این برش سه‌هزار واژه‌ای چند گزاره مهم و محوری نمود بیشتری یافته است. این گزاره‌ها به شرح زیر است:

۱-۵. مضامین و بن‌مایه‌های اجتماعی

به‌طورکلی شعر بدر شاکر السیاب و نیما یوشیج شعری اندیشه‌محور، عمیق و دغدغه‌مند است. یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های ذهنی دو شاعر مفاهیم و مضامین اجتماعی است. از میان مضامین اجتماعی چند مقوله نمود چشمگیرتری دارد: فقر، رواج فساد و بی‌اخلاقی و جرم و جنایت. در کنار موارد مذکور مفاهیمی همچون عشق و مرگ‌اندیشی و تعلق خاطر به زادگاه نیز تأمل‌برانگیز است.

۲-۵. فقر و فقرستیزی

نیما یوشیج و بدر شاکر السیاب هیچ‌یک به فقر و تهیدستی مردم جامعه خود بی‌توجه نیستند. هر دو فقر را معضل بزرگ اجتماعی می‌دانند و به‌دنبال آن هستند مردم را نسبت به اوضاع خود و سایر اقشار، آگاه و بیدار سازند. در نگاه نیما یوشیج فقر مختص جامعه و کشور خاصی نیست؛ بلکه معضلی عمومی است که عوامل محیطی، زمامداران کشور، نظام طبقاتی و ارباب-رعیتی و جنگ عوامل ایجاد آن است و می‌کوشد فقرا را در این خصوص با پرسش مواجه کند و آنان را برانگیزد تا خود با تهیدستی بجنگند: «شیوه او در ترسیم احوال فقرا داستانی و روایی است و گاهی در قالب گفتگو بیان می‌شود» (ایشانی، ۱۳۸۹: ۱۳۲).

در شعر نیما کلمات و ترکیباتی همانند «جوع»، «محرمان»، «شوریده‌خاطر»، «دردآلود»، «رنگ‌باخته»، «چشم تر»، «جوردیده»، «ناله‌های ناله‌پردازان»، «افتاده ز چشم دگران»، «بی‌تابی افزون»، «طوفان‌زده»، «دست‌برسزیدن»، «امید کمک» نقش ترسیم فضای یأس‌آلود و ناامیدکننده تهیدستان را برعهده دارد. این واژگان اغلب بار معنایی انفعال و خمودگی نیز در خود دارند که دلیل آن ترس و اختناق حاکم بر جو کشور بوده است و به کمک کلماتی همانند «تاریک»، «خشکی»، «بلا»، «پریشان»، «درد» و «سیاهی» در شعر منعکس می‌شود. تعداد واژگان مرتبط با یاریگری و مساعدت نسبت به واژگان ناامیدی بسیار کمتر است و نشان از بی‌توجهی صاحب‌منصبان به احوال تهیدستان است. برخی از این واژگان عبارتند از: آدمی‌خوار، بلعیده و دست می‌کوبد.

شعر بدر شاکر السیاب حالت اخباری دارد. او فقر را قضا و قدر و متعلق به کشاورزان و روستاییان می‌داند و عوامل ثروت را نامعلوم و بر این باور است فقر به وسیله قرض و صدقه اغنیا

به فقرا از بین رفتنی است. او در این حیطة برخلاف نیما یوشیج اغلب از مفردات استفاده می‌کند و کمتر ترکیب‌آفرینی و تصویرسازی کرده است و با واژگان «بردگان»، «خورندگان»، «عریان»، «تهیدست»، «گرسنگی»، «مغاک»، و «کمک می‌خواست» به ترسیم مستقیم فضای فقر و فاقه پرداخته است.

۳-۵. نابسامانی نظام جامعه

پس از تغییر نظام حاکمیتی از استبداد به مشروطه امید آن می‌رفت تا جامعه ایران بازسازی شود و ثمره‌اش در زندگی مردم نمایان گردد؛ اما این جریان به بیراهه رفت و مخالفان مشروطه در دولت، مجلس و سایر مراکز قدرت مانع از تحقق آرمان‌های مشروطه‌خواهان شدند. مفهوم وطن به خطر افتاد و بی‌عدالتی، یأس و بی‌تفاوتی مجدداً بر فضای ایران حاکم شد. منافع شخصی جای منافع ملی و جمعی را گرفت و جز اندکی معدود هیچ‌کس به فکر دیگری نبود:

«زیر باران نواهایی که می‌گویند:

باد رنج ناروای خلق را پایان» (یوشیج، ۱۳۸۹: ۷۴۳).

واژگان منتخب نیما یوشیج در این دایره‌های توصیفی به چند دسته تقسیم می‌شود که هر یک تداعی گر فضای خاصی است. بخشی از آن‌ها که به توصیف اوضاع کشور می‌پردازد، اغلب با صفاتی می‌آیند که دال بر سکوت و القاکننده گرفتگی نفس و خفگی و نشان‌دهنده کشوری استبدادزده است. این واژگان عبارتند از: بیشه خموش، گور تنگ، شبان سنگین، دریای تندوتیره، سرای کوران، ابراندود، کومه‌های خاموش، شب دم‌کرده، غارت‌زده‌تر، ویرانه، خاک رنگ‌باخته، جایگاه تنگ. کلماتی همانند «کومه»، «گور» و «بیشه» علاوه بر ایجاد فضای وهم‌آلود القاگر فضای متروک است. روشن‌فکرها و مصلح‌های اجتماعی در این دوره دو دسته شده‌اند: دسته نخست سرخورده و مأیوس به گوشه‌ای خزیده و از بهبود اوضاع قطع امید کرده‌اند. عده‌ای دیگر نگران سقوط فزاینده جامعه‌اند و با نگاهی دلواپس می‌کوشند با سروده‌ها یا نوشته‌های خود بارقه‌امیدی در این جسم نیمه‌جان بدمند. تعداد واژگانی که در توصیف حالات روشن‌فکرهای دسته نخست استفاده شده است، عبارتند از: خسته، فروبسته، مدهوش، خاموش، دلخستگان، بی‌اعتنا، سردرگم و عبث. کلمات ذکر شده یادآور فضای عزلت و انزوای این دسته و ناامیدی آن‌ها از نجات توده مردم است. واژگان منتخب برای دسته دوم - که نیما یوشیج نیز در شمار آن‌ها است - دارای بار اندوه و فضایی غمگین است که عبارتند از: چشم‌تر، نگران، دریغا، باخودگفتن خبر.

زبان «بدر شاکر السیاب» در توصیف چنین صحنه‌هایی برخلاف «نیما یوشیج» که جدی و یأس‌آلود و غمگین است توأم با طنزی تلخ و حاکی از دگرگونی و وارونگی نظام جامعه و مبین آن است که ضداً ارزش‌ها جای ارزش را گرفته‌اند و در جامعه بدل به آرمان شده‌اند: «قابیل زاده می‌شود،

تا از زهدان زمین و چشمه‌های آب زندگی را برکند» (اسوار، ۱۳۸۱: ۱۶۳).

واژگان و ترکیباتی همانند «بهار بی‌گل»، «بی‌باران»، «افسانه‌های پدران»، «بوم»، «روزهایی سربه‌سر اندوه»، «خزان»، «کلاغان»، «گورستان»، «استخوان» و «زردروی» علاوه بر انعکاس این وارونگی به مرگ ارزش‌ها اشاره کرده است. روشن‌فکرهای جامعه بدر شاکر السیاب همچون نیما یوشیج منزوی و به روزمرگی دچار شده‌اند. کلماتی همانند «اخترشماری»، «مرده»، «سکوت»، «خمیازه می‌کشد»، «بدون روح» و «بهانه آوردیم» نشان از موضع منفعلانه آن‌ها در مقابل حوادث اجتماعی زمان خود است. بر تعداد اندکی از این کلمات فضایی امیدوارانه غالب است که واژگانی حماسی برای آن انتخاب شده است که عبارتند از: فریادرس، مملو از درفش، می‌آسایم، آینده و هنگام درو.

۴-۵. رواج فساد و بی‌اخلاقی

روشنگری و آگاهی‌بخشی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های شعر اجتماعی است. پیش از ظهور نیما یوشیج شعر و ادبیات مشروطه داعیه‌دار تعهد اجتماعی بود؛ اما این نیما یوشیج بود که برای نخستین بار از رابطه میان ادبیات و تعهد سخن به میان آورد. سال‌های شاعری نیما یوشیج سال‌های پس از کودتا و شیوع بی‌اخلاقی است. سوای دسته‌ای از شاعران که در پی اتصال به منابع قدرت و امیدوار به وزارت و وکالت بودند، سایر سخنوران منزوی و نسبت به سیاست‌های فسادانگیز هیئت حاکمه بی‌اعتماد و بدبین بودند. نیما یوشیج با روشنگری، شاعرانی را که نسبت به بازتاب فساد زمانه در اشعار خود غافل بودند، سرزنش کرده است و درعین حال نیز می‌کوشد خود را از آلودگی‌های ثروت و قدرت حفظ کند:

«تا صبحدمان، در این شب گرم،

افروخته‌ام چراغ، زیراک

می‌خواهم برکشم بجاتر

دیواری در سرای کوران» (نیما یوشیج، ۱۳۸۹: ۷۳۶).

بدر شاکر السیاب در سال ۱۹۵۸ که تاریخ جدید عراق در حال شکل‌گیری بود، برای نشان دادن اعتراض خود به استعمار و استبداد هیئت حاکمه همچون سایر هنرمندان هم‌عصر خویش به حزب توده متمایل شد؛ اما پس از مدتی به دلیل موضع نامشخص این حزب در برابر بیگانگان دل‌سرد شد. نیروهای امنیتی در این زمان به جای آنکه مدافع منافع مردم باشند، در پی اجرای سیاست حاکمان وقت عراق مایهٔ رواج فساد و بی‌اخلاقی شده بودند. بدر شاکر السیاب این تاراج ثروت و نابسامانی‌های جامعه را به شکلی نمادین به‌ویژه در *المومس العمیاء* نشان داده است؛ همچنین در شعر شهر سندباد می‌نویسد:

«آیا شهر من این است؟ این ویرانه‌ها؟»

کز خون کشتگان بر آن نوشته‌اند: زنده‌باد زندگی

نه خدایی است در آن، آبی نه، باغی نه» (اسوار، ۱۳۸۱: ۱۶۵).

نیما یوشیج با تعبیر «خانه‌ام ابری»، «یکسره دنیا خراب»، «خیال روزهای روشنم از دست رفتن»، «دنیای ابراندود»، «شبان سنگین ز انده‌های من»، «شب وحشت‌زا»، «تلخی پابرجا»، «آتش برپاشده»، «آفتاب روی پوشیده»، «جای آشوبگران»، «فریب»، «کارشان کشتن و کشتار»، «آدم‌کشی»، «وزش بادهای سرد»، «نه گیاه در آنجاست»، «نه دمی» و «بیدادخانه» کوشیده است با ایجاد فضایی نفرت‌انگیز و نامساعد، این نابسامانی‌ها را ترسیم کند. علاوه‌بر آن با استفاده از تقابل‌های دوگانه همانند «بد / خوب»، «مشکل / آسان»، «خواب / بیدار»، «خالی / پر»، «شب / روز» و «سفید / سیاه» فضایل و رذایل موجود را در مقابل هم قرار می‌دهد. بدر شاکر السیاب برای ترسیم خشونت، جرم، جنایت و خیانتی که عمال حکومتی و استعمارگران در جامعه شیوع داده‌اند، تعبیر و واژگانی با بار منفی شدیدتر نسبت به نیما برگزیده است که می‌تواند نشان از سرخوردگی شدید شاعر پس از پیوستن به حزب توده و سپس جدایی از آن باشد؛ این تعبیر عبارتند از: هزار افعی، چارمیخ، خون و استخوان دروکردن، گوشت شرحه شرحه، پرنندگان گرسنه، با تیشه‌های تیز بریدن، با منقار دریدن، داس‌هایی که درو نمی‌کند، شکوفه‌هایی که بار و برگ نمی‌دهد، مزارعی سیاه‌گونهٔ تهی‌از آب، تاریکی فراگیر، جنین‌انداختن، ستایش فرومایگان.

۵-۵. عدالت، آزادی و دعوت به حق‌طلبی

در نظر نیما یوشیج ظلم و بی‌عدالتی از مصادیق بارز نقض حقوق بشر است. او با تأکید بر اصولی

همچون توزیع ناعادلانه ثروت و امکانات، عواملی همچون فاصله طبقاتی، نظام ارباب-رعیتی و نبود شایسته‌سالاری را عوامل نابرابری در جامعه می‌داند (ر.ک: شریف‌پور و سلیمانی، ۱۳۹۸: ۱۰۶-۱۰۸):

«آن همه جام که می‌ترکدشان معده، ز بس نوشیده

آن همه تشنه که می‌میرد از تشنگی و نیست ز کس پوشیده» (نیما یوشیج، ۱۳۸۹: ۶۷۲).

شیوه طرح این مباحث در اشعار او نمادین و سمبلیک و اغلب محدود به ایران است؛ مثلاً در منظومه محبس «زندان» سمبل جامعه و «زندانیان» نماد انسان‌های جوردریده هستند. در شعر خواب زمستانی «پرندگان شکسته‌بال تنها» و «گرگ‌های کینه‌ور و منتظر دریدن گوسفندان» سمبل مردم و اربابان هستند. شیوه بدر شاکر السیاب برای طرح عدالت و آزادی صریح‌گویی و کمتر نمادین و متوجه سایر ملل نیز هست. در پی بحران‌های وخیم سیاسی در عراق به‌ویژه در زمان حکومت ملک فیصل و عبدالکریم قاسم او به جرگه پیشگامان مبارزه با حکومت داخلی و استعمارزدگی پیوست. قصاید او همچون صحیفه الاحرار یا ابلاحرار و اعاصیر به نبود آزادی در عراق پرداخته است؛ اما سروده‌هایی همچون فیوم فلسطین و ربیع الجزائر را به فقدان آزادی و ستایش مبارزان فلسطین و الجزایر اختصاص داده است (گنجعلی و انق، ۱۳۹۴: ۱۸۲-۱۸۴). او به کمک واژگانی همانند «قیام»، «شعله-ور»، «مد»، «زنجیرها»، «یوغ»، «سپری از خون»، «پرچم»، «انقلابیون»، «فدا»، «آتش»، «مداد سیاه»، «جهاد»، «انتقام»، «تکبیر» و «دژ» با لحنی قاطع و روشن به خلق فضایی حماسی پرداخته است و کوشیده با ترسیم صحنه‌هایی از مبارزات صدر اسلام به اثربخشی این فضا بیفزاید: «سیاب افراط ظلم و ستم ناشی از توزیع نادرست قدرت و ثروت را در جامعه احساس می‌کرد و خالصانه به عدالت موضع چپ‌گرا و ضرورت حضور آن ایمان داشت» (بلاطه، ۲۰۰۷: ۴۸-۴۹).

نیما یوشیج در ترسیم فضای حماسی برای توصیف مفاهیم آزادی‌خواهی و رسیدن به عدالت به شیوه‌ای نمادین دو دسته واژه برگزیده است: نخست آن گروه از کلماتی که شرح احوال جامعه و مردمان دربند است و فضایی تیره، تاریک و غمبار ایجاد کرده است که عبارتند از: دنیای ابراندود، خواب، شبان سنگین، آفتاب روی پوشیده‌ست، طوفان، حبس. دسته دوم کلماتی که در پی خلق فضایی امیدوارانه و ایجاد انگیزه است. واژگان این گروه در حوزه نور و روشنایی است که عبارتند از: صبح سفید، روز آفتابی، بهار، سحر، چراغ، سوسو، بیداری، شکستن خواب و افروختن.

۵-۶. امید به آینده و مثبت‌نگری

نیما یوشیج غفلت‌زدگی، ساده‌لوحی، پرستش خرافه و مصرف‌گرایی را عوامل عقب‌ماندگی جامعه می‌داند و معتقد است رسیدن به جامعه آرمانی در گرو کار و تلاش، شایسته‌سالاری و کسب علم است. تقسیم کار و درآمد در زمان او عادلانه نیست باین‌وجود کارهای کوچک و کم‌درآمد را نیز می‌ستاید و برای رسیدن به آینده‌ای روشن مردم را به آن تشویق می‌کند (ایشانی، ۱۳۸۹: ۱۲۳).

همان‌طور که در شعر در شب سرد زمستانی می‌نویسد:

«من چراغم را در آمد رفتن همسایه‌ام افروختم در یک شب تاریک

و شب سرد زمستان بود» (نیما یوشیج، ۱۳۸۹: ۷۳۴).

بدر شاکر السیاب برخلاف نیما یوشیج از بهبود جامعه ناامید نیست. علی‌رغم فضای جنگی که در تعدادی از شعرهای بدر شاکر السیاب دیده می‌شود و باوجود صحنه‌های دهشتناک و رقت‌باری که از مرگ انسانیت ترسیم می‌کند، نشانی از پوچی در شعرش نیست. شعر سهرآیوب که در آن دردهای «آیوب» را هدیه‌ای از جانب خدا می‌داند، نمونه‌ای از این نگرش مثبت است. او علی‌رغم بحران‌زدگی

کشور به آینده آن امیدوار است. او در شعر سرود باران می‌نویسد:

«و هر سال - چون علف بر خاک می‌رُست - گرسنه می‌شدیم

هیچ سالی بر عراق بی‌گرسنگی نگذشت» (اسوار، ۱۳۸۱: ۱۳۹).

شاعر در چندسطر پایین‌تر از شعر سرود باران این امیدواری را این‌چنین نشان می‌دهد:

«به باران در عراق سبزه خواهد رُست ...» (همان).

این امیدواری در شعر مسیح پس از مصلوب‌شدن نیز وجود دارد:

«آنگاه که درختان توت و پرتقال می‌شکوفند» (همان: ۱۴۵).

باوجود تمام نابه‌سامانی‌ها، قلب شاعر مستعد رویش جوانه‌های امید است؛ همان‌طور که می‌نویسد:

«قلب من آفتاب است چون آفتاب به نور تپیدن گیرد

قلب من زمین است و تپش آن گندم و گل و آب روشن» (همان: ۱۴۷).

نیما یوشیج برای القای این دسته از مضامین در شعر خود فضاهای متعددی آفریده است. آنجاکه به توصیف غفلت‌زدگی با استفاده از کلماتی همانند «خسته»، «مهتاب بی‌طراوت»، «درنگ»، «بی‌سود»، «ناتوان»، «بیشه خموش» و «سراییدن گنگ» می‌پردازد، فضایی سرد، خموده و پر از سکوت ایجاد کرده است. فضایی که در مذمت خرافه‌پرستی و سرشار از نفرت و عتاب است و با کلماتی همانند «شبه‌کور»، «گمشده»، «گم‌کرده راه»، «کج‌اندازان» و «سرگرم» نشان داده می‌شود و ساده‌لوحان به

صفاتی همچون «نادان» و «گمشده» متصّف‌اند. از سوی دیگر او راه بهبود اوضاع نابسامان جامعه را در گرو استفاده از نبوغ مصلحان جامعه دانسته است و با ذکر اسامی خاص («اعتصام یوسف» و «حسن رشدیه») یا به شکلی نمادین («عیسی»، «ایوب» و «یهودا») اثرگذاری آن‌ها را ستوده است. فضای ستایش آمیز واژگان در این محدوده - که دارای بار مثبت معنایی و نشانگر ارزش و اعتبار آن‌ها است - عبارتند از: قوّم می‌بخشد، عالی دمشان، گرم می‌آید اجاقم، فراوان روشنایی، نهان‌بین، آشناپرورد، روشن‌آرا و پیش‌بینان.

در این شاخه معنایی تنوع گروه واژگانی اشعار بدر شاکر السیّاب کمتر است. او نیز در مذمّت خرافه که باعث عقب‌ماندگی جامعه می‌شود، فضایی از سیاهی و تاریکی آفریده است که واژگان استفاده‌شده در شعرهایش عبارتند از: مسخره می‌کرد، نفرین می‌کند، خیال، وهم، دروغین، تاریکنای گل. سیّاب غفلت‌زدگی شایع در میان مردم را در نمایی از مردن و خواب‌آلودگی با واژه‌ها و ترکیباتی همانند «خمیازه می‌کشد»، «نیم‌خواب»، «زردروی»، «بدون روح»، «مردگان»، «ابدیت»، «تیرگی» و «خزان» به تصویر کشیده است. بدر شاکر السیّاب واژگانی برای امید به بهبود جامعه استفاده می‌کند حاوی فضایی از روشنایی، شادی، امیدواری و مهربانی است که عبارتند از: کَرَم، هدیه، دسته‌گل، آغوش، عیادت‌کنندگان، سرسبز خواهد، می‌شکوفند، گرما، جلا می‌دهم، میوه‌ها و پرندگان، رقص، آفتاب، تپیدن، روشن، آب.

۷-۵. مرگ‌اندیشی

مرگ زندگی‌بخش گونه‌ای از کارکرد مفهوم مرگ است که نه تنها به معنی پایان زندگی نیست بلکه مایه تداوم حیات در جامعه بشری نیز خواهد شد. این بُعد از مرگ به نقش اجتماعی آن مرتبط است و در شعر هر دو شاعر نمود دارد.

هر دو شاعر علاوه بر گرایش‌های شیعی و جامعه اسلامی، تحت تأثیر جریان‌های روشنفکرانه و رشد مفاهیم عدالت‌خواهی و مقابله با ستم حاکمان جور، به مرگ در راه آرمان‌ها معتقدند؛ زیرا آن را مایه ایجاد حرکت در جامعه و حتی زمان‌های پس‌از آن می‌دانند. ایران و عراق هر دو در زمان نیما یوشیج و بدر شاکر السیّاب جامعه‌ای استبدادزده هستند که به وسیله استعمارگران چپاول شده‌اند و تنها راه برقراری آرامش، سرکوب مخالفان است. هر دو شاعر با ادبیات جهان آشنا هستند؛ بنابراین برای بازتاب مفاهیم مرتبط با مرگ دست به آفرینش اسطوره می‌زنند. نیما یوشیج در شعر *سرباز فولادین* می‌نویسد:

«وین زمان فکرم این است که در خون برادرهایم

- ناروا در خون پیچان

بی‌گنه غلتان در خون -

دل فولادم را رنگ کند دیگرگون» (نیما یوشیج، ۱۳۸۹: ۷۷۱).

بدر شاکر السیاب با گرایش «آدونیس» و «عشتار» و انتخاب «مسیح» به‌عنوان نماد فداکاری می‌نویسد

(رجبی، ۱۳۹۰: ۲۰۴-۲۰۵) همان‌طور که در قسمتی از شعر مسیح پس از مصلوب شدن حضرت

عیسی (ع) را می‌بینیم که بعد از به صلیب کشیده شدن، باز هم به کمک خلق می‌شتابد:

«آنگاه که از گریبان خویش قماط و از آستین خود بالاپوش بردوختم،

آنگاه که روزی با گوشت تن خویش استخوان کودکان را گرم نگه داشتم،

آنگاه که زخم تن خود را برهنه کردم و زخمی از آن دیگری را مرهم نهادم،

میان من و خدای دیوار و حصار درهم شکست» (اسوار، ۱۳۸۱: ۱۵۱).

در شعر شهر سندباد نیز این مضمون - که حضرت مسیح پس از مرگ هم در فکر نجات انسان‌هاست

- دیده می‌شود:

«گرسنگان را وهم آن بود که شانه‌های مسیح

خرسنگ را از مدفن او به‌کناری زده است

و او به راه افتاده است و در گورها حیات می‌دمد

پیشه را شفا و نابینا را دیدار می‌بخشد» (همان: ۱۶۲-۱۶۳).

نیما یوشیج هنگام صحبت از مرگ کوشیده تا علاوه بر خلق فضا از شگردهای دیگر نیز استفاده کند.

مثلاً در شعر آی آدم‌ها مرگ تدریجی و کند غریق را با استفاده از فعل ماضی استمراری و قید «دایم»

پررنگ کند یا با ایجاد بُعد مکانی غریق و ساحل‌نشینان، ناشناس بودن مرده و گفتگوی یک‌طرفه، بار

تراژیک شعر را افزون کرده است. با این وجود فضای مرگ و حماسه در اشعار نیما یوشیج از بدر

شاکر السیاب کمتر و رنگ‌مایه آن غالباً وهم‌آگین و اندوه‌بار است. واژه‌های نیما یوشیج عبارتند از:

میهمان‌خانه مهمان‌کش، تاریک، هیبت تب، ورم‌کرده تنی گرم، آدمکشی، قوم بداندیش، خون و

زخم. بسامد «مرگ» در اشعار بدر شاکر السیاب بسیار زیاد است. شاید بیماری همیشگی، مرگ

زودرس و تسلیم و رضای شاکر السیاب با این امر چندان بی‌ربط نباشد. با این وجود دچار پوچی و

ناامیدی و عقب‌نشینی نشده است بلکه با روحیه‌ای قوی می‌کوشد با تقدیر پنجه‌درپنجه افکند. فضای

حماسی غالب بر سروده‌های او به کمک کلماتی خلق شده است که عبارتند از: فریاد و شورشی، پس‌گردنی، تندر، آذرخش، ژرفاژرف خون خویش، رستاخیزی، زبانه می‌کشد، گلوله‌ای، دوزخی، بادها.

۸-۵. عشق

عشق از اساسی‌ترین مؤلفه‌های مکتب رمانتیسیسم است. در یک دسته‌بندی، رمانتیسیسم به دو گونه عاشقانه و اجتماعی تقسیم می‌شود. چنانچه در مکتب مذکور به مسائل اجتماعی پرداخته شود نیز صبغه احساسی و عاشقانه خواهد یافت. در اشعار بدر شاکر السیاب و نیما یوشیج عشق هم به شکل جسمانی آن و هم به گونه اجتماعی باز نمود یافته است (محسنی و نصرالله پورحیدری، ۱۳۹۶: ۱۰۶). مفهوم عشق در اشعار نیما یوشیج به سه گونه ترسیم شده است: ۱. بیان احساسات عاشقانه به سبک گفتگوهای نمایشی ۲. پیوند عشق و اجتماع ۳. اعتلای آن در سطح فرازمانی (رویین اهلی، ۱۳۹۲: ۹). نخستین زمره‌های شاعر در باب عشق فردی در منظومه *افسانه* است و پس از آن به شیوه‌ای نمادین در *مانلی* و *پی دارو* چوپان. در تمام این اشعار نیما یوشیج به توصیفی کلی از معشوق پرداخته است بی‌آنکه از او نامی ببرد. در عشق اجتماعی نیز جامعه بخشی از وجود او است. حتی در ضمن تفکرات فردی عاشقانه به خود نمی‌اندیشد؛ بلکه متناوباً از عوالم شخصی و خصوصی رها شده است و به جامعه متصل می‌گردد. در این صورت عشق به شکل قوه محرکه‌ای برای توصیف حقایق تلخ اجتماعی است. رنگ عاشقانه‌های نیما یوشیج در میان‌سالی با جوانی متفاوت و رنگ اجتماعی آن غالب‌تر است:

«اکنون که رنگ پیری بر سر کشیده‌ام

فکری است باز در سرم از عشق‌های تلخ» (نیما یوشیج، ۱۳۸۹: ۷۷۷).

بدر شاکر السیاب همانند نیما یوشیج به سرودن خاطرات خود از عشق زمینی پرداخته است. گاه نیز زادگاه خود «جیکور» را به عنوان معشوق برگزیده است؛ سپس با گذر از این مرحله به سراغ دغدغه‌های اجتماعی رفته است و از سروده‌های عاشقانه فاصله گرفته است. بعد با نزدیک شدن به پایان عمر به دلیل غلبه مرگ‌اندیشی، پرداختن به مسائل اجتماعی را رها کرده است و به تألمات روحی و خاطرات عاشقانه گذشته خود بازگشته است. در این سه‌هزار واژه منتخب از شعر بدر شاکر السیاب عشق به زن دیده می‌شود که بیشتر معطوف به توصیف چشمان معشوق است:

«چشمان تو دو بیشه نخل اند به هنگام سحرگاه

یا دو مهتابی که مه زان دو جدا تا دور دست‌ها می‌رود
چشمان تو هنگامی که لبخند می‌زنند تاک‌ها نو برگ می‌دهند
و نور به‌سان ماه در آب‌های رود به رقص درمی‌آید» (اسوار، ۱۳۸۱: ۱۳۱).
موضوع عشق در مقایسه با دیگر مفاهیم چندان عمق و گستره‌ای ندارد و بیشتر خاطره‌عشقی محو
و دوردست در گذشته است که با وصال میانه‌ای ندارد و تنها در رؤیا و هنگام بارش باران با چشمان
معشوق دیدار می‌کند:

«و با باران، چشمان تو به رؤیای من می‌آیند

و با خیزاب‌های خلیج آذرخش‌ها

دستی از ستاره و صدف بر سواحل عراق می‌کشد» (همان: ۱۳۵).

زن در شعر نیما یوشیج به گونه‌های متعدّد ظاهر می‌شوند که عبارتند از: معشوق، زن منتظر، مادر،
همسر، زن فتنه‌گر، زن اساطیری و زن غیرتمند. واژگان منتخب نیما یوشیج در این برش سه‌هزار
واژه‌ای، فضایی رمانتیک آفریده است که برخی از این واژه‌ها عبارتند از: شیرین، بوسه، دلکش آوا،
آشوب نگاه، گرم می‌خندد، افسون، نرم می‌آید، زن زیبا. بدر شاکر السیّاب نیز هنگام صحبت درباره
عشق کوشیده است تا فضایی رمانتیک ایجاد کند. انتخاب واژگان «مسحور»، «اندوه»، «اشتیاق»،
«چشم‌انتظار»، «لمس می‌کند»، «بوسه»، «دل می‌رباید»، «آغوش»، «نوازش می‌کند» و «لبخند می‌زنند»
در این راستا هستند. اغلب این واژه‌ها حول محور مهربانی و نرم‌خویی معشوق می‌گردد که فردی
است.

اگرچه کارکرد نقش زن در شعر نیما یوشیج و بدر شاکر السیّاب در درجه نخست معشوق
است؛ اما در دوره هر دو شاعر در حوزه مباحث اجتماعی مرتبط با زن شعارهایی همانند «احترام به
زن»، «رهایی از استثمار مردان»، «آزادی در انتخاب همسر» و «رهایی از تابوهای اجتماعی» رواج
داشته است. نیما یوشیج با کشف حجاب زنان مخالف است؛ اما از خمودگی، ضعف، فقر و
بی‌سوادی آن‌ها خشنود نیست (شریف‌پور و سلیمانی، ۱۳۹۸: ۱۱۳). بدر شاکر السیّاب نیز شاعری
اجتماعی و روشن‌بین است که از کنار این مسئله عبور نکرده است و باتوجه‌به مسائل متعدّد زنان
کوشیده است تا از محرومیت‌های آن‌ها بکاهد. او راهکارهای مبارزه با این عقب‌ماندگی را
تعلیم و تربیت و علم‌آموزی دانسته است.

۶. طبیعت و عناصر مرتبط با آن

در شعر معاصر طبیعت با انسان‌مداری به هم آمیخته است. نیما یوشیج شاعر طبیعت است. بسامد بالایی واژگان شعری مرتبط با طبیعت و به‌ویژه زادگاهش «یوش» مؤید چنین فرضیه‌ای است: «او روح روستایی خود را با یک جهان‌بینی طبیعی در قالب تمثیلاتی چون: شب‌پره، باران، مرغ آمین و دریا می‌ریزد» (براهنی، ۱۳۷۱: ۷۴۵). بدر شاکر السیاب نیز هنگام مواجهه با عنصر طبیعت دو رویکرد برمی‌گزیند که عبارتند از: ۱. توصیفی محض ۲. نمادگرایانه. شیفتگی بدر شاکر السیاب نسبت به روستای زادگاه خود «جیکور» و رود «بویب» باعث شده است تا شعر او حال‌وهوایی روستایی داشته باشد و توأم با عناصر طبیعت باشد. بازنمود طبیعت در اشعار نیما یوشیج و بدر شاکر السیاب به دو گونه است:

۱-۶. طبیعت بی‌جان

در اشعار نیما یوشیج غالب عناصر طبیعی کارکردی نمادین یافته است و باعث تصویرسازی شده است. این عناصر طبیعی به‌ترتیب شامل «پرندگان»، «شب»، «کوهستان»، «صبح»، «باد» و «دریا» می‌شود. مهم‌ترین مشترکات این عناصر با بدر شاکر السیاب به‌قرار زیر است:

۱-۱-۶. آب

«نیما یوشیج» به‌هنگام توصیف عینیت‌گرایی را ستوده است (پورنامداریان، ۱۳۷۷: ۵۱). آب در نمادهای استفاده‌شده او شامل «باران»، «دریا»، «رود»، «سیل»، «جوی»، «مرداب» و «ساحل» است. آب باتوجه‌به ویژگی خاص آن که از بین‌برنده ناپاکی‌ها است و یا با موج و طوفان همراه است حتی در بعد اجتماعی دارای کارکردی دوگانه است. برای آب و زنجیره‌های معنایی مرتبط با آن صفات و تعبیراتی وجود دارد که عبارتند از: گنداب، تیره، گران، جنبنده، منقلب، سهمگین، باهویت، رهگذر موج، موجی شکسته، ساحل مهجور، ساحل وامانده، ساحل خموش، سیل دمان، حباب فضول و زورق زرین. نیما یوشیج با کارکرد نخستین آنچه موجب رفع آلودگی‌ها می‌شود فضایی روشن همراه با شادمانی آفریده است که کلمات آن عبارتند از: پل، زورق، ساحل، ماهی، آباد، موج، بندرگاه، سبزه. او در ترسیم ویرانگری از فضایی تیره، غمگین و یأس‌آلود استفاده کرده است که برخی از واژگان این فضا سازی عبارتند از: موج سنگین دریا، مرداب، گود کبود، طوفان‌زده، سوگواران، داروگ، خسران، خشک، اندیشناک.

در شعر بدر شاکر السیاب نیز آب و به‌ویژه باران و تکرار آن سمبل مفاهیم متعدّد است و بر نمادهای بسیاری دلالت می‌کند. مثلاً در بسیاری موارد او با تکرار واژه «مطر» علاوه بر آفرینش زیبایی لفظی، اهمیت موضوع مدّ نظر خود را نیز نشان داده است. آب و باران گاه رمز شورش در برابر زمامداران فاسد و ستمگر است. در این صورت فضای ترسیم‌شده در شعر بدر شاکر السیاب اغلب تهییج‌کننده و حماسی است؛ کلماتی که القاکننده این فضا است عبارتند از: آذرخش، سیه‌میخ، تندر، تندباد، ابرناک، خشکیده، طوفان، بلور قطره‌ها. گاهی نیز با گریز به زادگاه خود و ساحل فرات و نخلستان‌های آباد آن همانند نیما یوشیج فضایی امیدوار، باز و روشن خلق کرده است که از کلمات «پاره‌های ابر»، «خلیج»، «زاله»، «شط»، «نسیم»، «تاک‌ها»، «سبزه»، «شکوفه»، «رزبنان»، «نخل‌بنان»، «جلگه» و «علف» برای این منظور استفاده کرده است.

۲-۱-۶. شب

شب در شعر نیما یوشیج نمادی تکرارشونده و از عناصر مهم و مرکزی سروده‌های او است. غالب نمادهای ابداعی او در این دایره با مفاهیمی مرتبط است که عبارتند از: بیدارگری، پایداری و مقاومت، هول و خفقان. این مفاهیم با صفات و ترکیباتی - که نشانگر خفقان، استبداد، ظلم و تیرگی اند - به تصویر کشیده شده‌اند؛ این واژه‌ها عبارتند از: دراز، دیوارهای نیلی، عبوس و سرد، دلگزا، کج، سیه پیشه، تیره دل، هول، غمناک، دم کرده، چرکین، مدّش و دیجور. فضایی که نیما یوشیج به کمک شب ترسیم کرده است تاریک، ناامید و اندوه‌بار است که با واژه‌هایی همانند «شب‌پره»، «دم‌کرده»، «تنگنای نیمه‌شب»، «بیشه خموش»، «وحشت‌زا» و «سنگین» نمایان می‌شود.

بدر شاکر السیاب با استفاده از شب در معنای استعاری و به کمک مؤلفه‌های رمانتی‌سیسم، ظلم و خشونت حاکم بر عراق را به تصویر می‌کشد. او شب را برای بیان آلام خود از اوضاع موجود به کار می‌برد و برای ترسیم فضای تاریک، از حیواناتی درنده یا آسیب‌زا همانند «گرگ»، «افعی»، «زاغ»، «ملخ» و «سگ» در شعرش استفاده می‌کند.

۳-۱-۶. باد

سواى کارکرد خود به‌عنوان عنصرى طبیعى، از عناصرى است که نیما یوشیج به‌وسیله آن به بیان مسائل سیاسى و اجتماعى جامعه پرداخته است و از آن با صفات و ترکیباتى یاد کرده است؛ این صفات و ترکیبات عبارتند از: شدید، سرد، توفنده، چابک، بادهای دور و نزدیک، طوفان سهم‌انگیز

صحرائی و دریایی، باد دمنده، ستیزه‌جو طوفان و باد دمنده (یاحقی و سنجولی، ۱۳۹۰: ۵۰). فضای به‌کاررفته در واژگان مربوط به «باد» تیره و همراه با باری از خشونت و افسردگی است؛ این فضا با واژه‌هایی نشان داده می‌شود که عبارتند از: بگسلیده، خموش، بیمناک، خون جبین، سرشک، اندوده دود و خاکستر.

در شعر بدر شاکر السیاب از «باد»، «طوفان» و «گردباد» به‌عنوان پیشتازان انقلاب (باران) یاد شده است؛ همچنین او به‌گونه‌ای نمادین و با رویکردی سیاسی و اجتماعی عوامل ویرانگر در جامعه را با باد نشان داده است. این فضای یأس‌آور با کلماتی خلق شده است که عبارتند از: خرابه، ویرانه، پنجره‌های باز، خشکسالی، ناله‌های طولانی، زخم.

۲-۶. زادگاه

شهرگریزی و تمایل به زندگی ساده و طبیعی روستایی از مشخصه‌های مکتب رمانتی‌سیسم است. شاعران در این نوع سروده‌ها به آزادی، رهایی از قیود و طبیعت بسیار متمایل و طرفدار طبیعت وحشی و بدوی‌اند. اگرچه اینگونه تمایلات بازنمون اشتیاق به وطن است؛ اما به معنای ناخرسندی از شهر نیز هست (محسنی و نصرالله پورحیدری، ۱۳۹۶: ۹۹).

در شعر نیما یوشیج از زادگاه او «یوش» واژگان خاص محلی که به‌شکل سمبل و نماد فراوان استفاده شده است. او شعرهای دره‌امزناسر، در جوار سخت‌سر، قصه رنگ‌پریده، دیهقانان، پی دارو چوپان، یادگار و نعره گاو را به‌یاد زادگاه خود و به‌شیوه سمبلیک سروده است:

«صبح پیدا شده از آن طرف کوه ازاکو اما

واژنا پیدا نیست» (نیما یوشیج، ۱۳۸۹: ۷۷۸).

در دیوان بدر شاکر السیاب نیز چنین است. عنوان نه قصیده مستقیماً از نام روستای «جیکور» گرفته شده است و سایر عناوین مرتبط نیز نشان از آن دارد که روستا و طبیعت آن هرگز ذهن شاعر را رها نکرده است:

«آنگاه که جیکور تا مرز تخیل امتداد می‌یابد

و سراسر از علفی سبز می‌شود که شمیم را ترانه زمزمه می‌کند» (اسوار، ۱۳۸۱: ۱۴۵).

فضاهای مرتبط با زادگاه در شعر نیما یوشیج نوستالژیک، غم‌انگیز و اندوه‌بار است. این فضاها به‌کمک واژگانی خلق شده‌اند که یادآور تحسّر همیشگی شاعر نسبت به دوری از موطن اصلی خود است و عبارتند از: پردرد، بدی بخت، مبتلا، جدا، محبس، پرنده در میان قفس، تاراج و زار.

واژگانی با چنین مضمون، دو فضا در اشعار بدر شاکر السیاب ایجاد کرده است؛ آن بخش از کلماتی که انزجار و دلزدگی او از زیستن در شهر را منعکس می‌کند و دسته دیگر کلماتی که به بازتاب اشتیاق او برای بازگشت به روستای زادگاهش (جیکور) می‌پردازد. فضای شعری در دسته نخست تیره، ناامیدانه و توأم با نفرت است؛ واژگان و ترکیبات این دسته عبارتند از: دود یک سیگار، احتضار، سیاهی قلب، دفن، تاریک، در مخفی و دیوار. دسته دوم در حوزه نور و روشنایی قرار گرفته‌اند و با فضایی عاشقانه و شاد همراه هستند که واژگان و ترکیبات این دسته عبارتند از: آبخار نور، دریا، کودکان، مهره و صدف، روشنی ستارگان، نخلستان‌ها، شکوفه و علف‌زار. او از کودکان در شعر خود به‌عنوان نمادی از سرخوشی و پاکی یاد کرده است و «از نخستین کسانی است که در ایران آثاری خاص کودکان آفریده است» (فخرایی، ۱۳۵۷: ۲۰).

در میان مضامین مشترک شعری نیما یوشیج و بدر شاکر السیاب فضاهای شعری خلق شده پیرامون زادگاه و علقه به آن در شعر هر دو شاعر بازنمودی پررنگ‌تر از سایر مفاهیم یافته است.

نتیجه‌گیری

اشعار نیما یوشیج و بدر شاکر السیاب دارای زیرساخت‌های شخصیتی و اجتماعی همانند و نیز استفاده از تصاویر و مضامین همسو، محملی مناسب برای تحلیل با نظریه تنوع واژگان جانسون است.

بررسی آمار کلی نسبت تنوع و جدول‌ها و نمودارها در برش تصادفی ۳۰۰۰ واژه از هر شاعر مبین آن است که تعداد واژگان متنوع بدر شاکر السیاب بیش از نیما یوشیج و منحنی کاهش واژگان در زبان نیما یوشیج تندتر از بدر شاکر السیاب است؛ این به آن معنا است که شاکر السیاب از دایره واژگان وسیع‌تری نسبت به نیما یوشیج برخوردار است. در ۳۰۰۰ واژه نیما یوشیج ۹۵۰ واژه غیرتکراری و در ۳۰۰۰ واژه بدر شاکر السیاب ۱۱۸۰ واژه متنوع دیده می‌شود. بدر شاکر السیاب ۲۳۰ واژه متنوع بیشتر از نیما یوشیج دارد که تفاوت قابل توجه‌ای است.

از عمده‌ترین دلایل اثرگذار در تنوع واژگان، فراوانی تکرار است. تکرار در اشکالی همانند «تکرار جمله»، «تکرار واژه» علاوه بر ایجاد و حفظ وحدت عمودی شعر یا پرکردن خلأ وزنی، به دنبال القای مفهوم یا حسّی خاص به مخاطب نیز هست. نکته‌ای که در برش سه‌هزار واژه‌ای از سروده‌های هر دو شاعر شایان توجه است خاستگاه یکسان بسیاری از واژگان یا تکرار کلماتی خاص به‌شکلی وسیع است؛ مثلاً هر دو شاعر به‌دلیل تولّد در روستا از حوزه معنایی مرتبط با طبیعت

به‌طور گسترده استفاده کرده‌اند و با آشنایی با زبان و ادبیات خارجی باعث ورود تعاریف مشترک از حقوق بشر و مطالبات انسانی در شعر هر دو شده است. فضای ترسیم‌شده مرتبط با هریک از این بن‌مایه‌ها نیز در بسیاری اوقات مشابه و گاه متفاوت است؛ مثلاً به دلیل وخامت جسمانی دائم، تنوع واژگان بدر شاکر السیاب در دایره معنایی مرتبط با مرگ بیشتر و فضای کلمات مرتبط با این هسته تیره‌تر، غمگین‌تر و ناامیدانه‌تر است. عشق، زادگاه، امید به آینده، عدالت‌جویی، دعوت به حق‌طلبی، فقرستیزی، نکوهش فسادهای اخلاقی و نابودی باورهای دینی از مضامین مشترک جامعه آماری منتخب است که هریک از این مؤلفه‌ها منجر به خلق فضای شعری خاص گشته است.

منابع

کتاب‌ها

- اسوار، موسی (۱۳۸۱). *از سرود باران تا مزامیر گل سرخ: پیشگامان شعر امروز عرب*، چاپ اول. تهران: نشر سخن.
- براهنی، رضا (۱۳۸۰). *طلا در مس*، چاپ سوم. تهران: نشر زریاب.
- بلّاطه، عیسی (۲۰۰۷). *بدر شاکر السیاب حیاته و شعره*. بیروت: المؤسسة العربیه للدراسات و النشر.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۷۷). *خانه ام ابری است*، چاپ اول. تهران: انتشارات سروش.
- حمیدیان، سعید (۱۳۸۳). *داستان دگردیسی: روند دگرگونی‌های شعر نیما یوشیج*، چاپ اول. تهران: نشر نیلوفر.
- الخیر، هانی (۲۰۰۶). *بدر شاکر السیاب ثوره الشعر و مراره الموت*. دمشق: دار رسلان.
- زرین‌کوب، حمید (۱۳۵۸). *چشم‌انداز شعر نو فارسی*، چاپ اول. تهران: انتشارات توس.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰). *شعر معاصر عرب*، چاپ اول. تهران: نشر سخن.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۰). *سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*، چاپ دوم. تهران: نشر سخن.
- فخرایی، ابراهیم (۱۳۵۷). *سردار جنگل*، چاپ نهم. تهران: نشر جاوید.
- یوشیج، نیما (۱۳۷۳). *مجموعه کامل اشعار*، به کوشش سیروس طاهباز، چاپ دهم. تهران: نشر نگاه.

مقاله‌ها

- ایشانی، طاهره (۱۳۸۹). «مقایسه تطبیقی نمود فقر و تهیدستی در شعر نیما یوشیج و نازک الملائکه»، فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، سال ۲، شماره ۴: ۱۱۹-۱۳۶.
- اناری بزچلویی، ابراهیم و امیدوار، احمد (۱۳۹۰). «رابطه سبک‌شناسی و علم آمار»، نخستین همایش ملی نظریه و نقد ادبی در ایران، تهران: خانه کتاب.
- اناری بزچلویی، ابراهیم و امیدوار، احمد (۱۳۹۱). «پژوهشی در تنوع واژگان شعری، مطالعه موردی: اشعار رهی معیری، هوشنگ ابتهاج و فریدون مشیری»، پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، شماره ۲: صص ۳۱-۵۷.
- رجبی، فرهاد (۱۳۹۰). «مرگ زندگی بخش در شعر بدر شاکرالسیاب و نیما یوشیج»، ادب عربی، دوره ۳، ش ۲: صص ۱۸۵-۲۰۶.
- روین‌اهلی، پروانه (۱۳۹۲). «بررسی مفهوم عشق در شعر نیما یوشیج»، هشتمین گردهمایی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران: صص ۱-۱۳.
- شریف‌پور، عنایت‌الله و زهرا سلیمانی (۱۳۹۸). «بررسی تطبیقی مضامین اجتماعی در اشعار نیما یوشیج و احمد شوقی»، ادبیات تطبیقی، سال ۱۱، شماره ۲۰: صص ۱۰۲-۱۱۸.
- عبدی، صلاح‌الدین و محمد احمدی (۱۳۹۰). «بررسی تطبیقی طبیعت در شعر سهراب سپهری و بدر شاکرالسیاب»، کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، سال دوم، شماره ۸: صص ۱۰۱-۱۱۸.
- گنجعلی، عباس و نعمان انق (۱۳۹۴). «بررسی و تطبیق اندیشه‌های اجتماعی در شعر بدر شاکرالسیاب و قیصر امین‌پور»، ادبیات تطبیقی، سال ۷، ش ۱۳: صص ۱۷۵-۱۹۹.
- محسنی، مرتضی و هاجر نصرالله پورحیدری (۱۳۹۶). «فرانمودهای رمانتی‌سیسم عاشقانه و اجتماعی در اشعار نیما یوشیج و بدر شاکرالسیاب»، پژوهشنامه مکتب‌های ادبی، سال ۱، شماره ۲: صص ۹۷-۱۱۹.
- محمدرضایی علیرضا و سمیه آرامات (۱۳۸۷). «بررسی تطبیقی اشعار بدر شاکر و نیما یوشیج»، ادبیات تطبیقی، سال دوم، ش ۶: صص ۱۶۱-۱۷۳.

- یاحقی محمدجعفر و احمد سنچولی (۱۳۹۰). «نماد و خاستگاه آن در شعر نیرا یوشیج»، پژوهشنامه زبان و ادب فارسی، سال ۵، ش ۲: صص ۴۳-۶۴.

References

- Aswar, Musa (1381). From the song of the rain to the psalms of the red flower: the pioneers of modern Arab poetry, first edition. Tehran: Sokhon Publishing House.
- Brahni, Reza (2008). Gold in copper, third edition. Tehran: Zaryab Publishing.
- Balata, Isa (2007). Badr Shaker al-Siyab, biography and poetry. Beirut: Al-Arabiya Institute for Studies and Al-Nashar.
- Pournamdarian, Taghi (1377). My house is a cloud, first edition. Tehran: Soroush Publications.
- Hamidian, Saeed (2004). The story of metamorphosis: the process of transformations in Nima Yoshij's poetry, first edition. Tehran: Nilofar Publishing.
- Al-Khair, Hani (2006). Badr Shakir al-Siyab, Torah al-Sha'ar and Marara al-Amut. Damascus: Dar Raslan.
- Zarinkoub, Hamid (1358). Perspectives of New Persian poetry, first edition. Tehran: Tos Publications.
- Shafi'i Kodkani, Mohammad Reza (2010). Contemporary Arab poetry, first edition. Tehran: Sokhon Publishing House.
- Fatuhi, Mahmoud (2018). Styloogy: theories, approaches and methods, second edition. Tehran: Sokhon Publishing House.
- Fakhraei, Ibrahim (1357). Sardar Jangal, 9th edition. Tehran: Javid Publishing House.
- Yoshij, Nima (1373). The complete collection of poems by Cyrus Tahbaz, 10th edition. Tehran: Negha publishing house.
- Articles
- Ishani, Tahereh (1389). "Comparative comparison of poverty and destitution in the poetry of Nima Yoshij and Nazq Al-Malaika", a specialized quarterly of Persian language and literature (Dehkhoda), year 2, number 4: 119-136.
- Anari Bezcheloi, Ebrahim and Omidret, Ahmed (2010). "The relationship between stylistics and statistics", the first national conference of theory and literary criticism in Iran, Tehran: Khanate Kitab.

- Anari Bezcheloi, Ebrahim and Omidre, Ahmed (2011). "Research on the diversity of poetic vocabulary, a case study: Poems of Rahi Meiri, Houshang Ebtahaj and Fereydon Moshiri", *Researches of Literary Criticism and Stylogy*, No. 2: pp. 31-57
- Rajabi, Farhad (1390). "The Death of Life in the Poems of Badr Shakralsyab and Nimayoshij", *Arabic Literature*, Volume 3, Volume 2: pp. 185-206.
- Ruyin Ahli, Parvaneh (2012). "Examination of the concept of love in Nima Yoshij's poetry", the 8th meeting of the Persian Language and Literature Promotion Association of Iran: pp. 1-13.
- Sharifpour, Enayatullah and Zahra Soleimani (2018). "A comparative study of social themes in the poems of Nima Yoshij and Ahmad Shoghi", *Comparative literature*, year 11, number 20: pp. 102-118.
- Abdi, Salahuddin and Mohammad Ahmadi (2010). "Comparative study of nature in the poetry of Sohrab Sepehari and Badr Shakralsiyab", *Exploration of Comparative Literature*, second year, number 8: pp. 101-118.
- Ganjali, Abbas and Noman Angh (2014). "Examination and application of social ideas in the poetry of Badrshakar al-Siyab and Qaiser Aminpour", *Comparative literature*, year 7, no. 13: pp. 175-199.
- Mohseni, Morteza and Hajar Nasrallah Pourheidari (2016). "Manifestations of Romantic and Social Romanticism in the Poems of Nima Yoshij and Badr Shaker Al-Siyab", *Journal of Literary Schools*, Year 1, Number 2: pp. 119-97.
- Mohammadrezaei Alireza and Sommieh Armat (1387). "Comparative review of the poems of Badr Shaker and Nima Yoshij", *Comparative literature*, second year, vol. 6: pp. 161-173.
- Yahaqi Mohammad Jaafar and Ahmad Sancholi (1390). "Symbol and its origin in Nima Yoshij's poem", *Research Journal of Persian Language and Literature*, Year 5, Issue 2: pp. 43-64.